و اوست همان کسى که در دل مکه -پس از پیروزکردن شما بر آنان- دستهاى آنها را از شما و دستهاى شما را از ایشان کوتاه گردانید، و خدا به آنچه مى‌کنید همواره بیناست. (24) آنها بودند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانى [شما] که بازداشته شده بود به محلش برسد، و اگر [در مکه‌] مردان و زنان با ایمانى نبودند که [ممکن بود] بى‌آنکه آنان را بشناسید، ندانسته پایمالشان کنید و تاوانشان بر شما بماند [فرمان حمله به مکه مى‌دادیم‌] تا خدا هر که را بخواهد در جوار رحمت خویش درآورد. اگر [کافر و مؤمن‌] از هم متمایز مى‌شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکى معذب مى‌داشتیم. (25) آنگاه که کافران در دلهاى خود، تعصّب [آن هم‌] تعصّب جاهلیّت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع‌] آنان به [رعایت ]آن [آرمان‌] سزاوارتر و شایسته [اتصاف به‌] آن بودند، و خدا همواره بر هر چیزى داناست. (26) حقاً خدا رؤیاى پیامبر خود را تحقّق بخشید [که دیده بود:] شما بدون شکّ، به خواست خدا در حالى که سر تراشیده و موى [و ناخن‌] کوتاه کرده‌اید، با خاطرى آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد. خدا آنچه را که نمى‌دانستید دانست، و غیر از این، پیروزى نزدیکى [براى شما] قرار داد. (27) اوست کسى که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست روانه ساخت، تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه‌بودن خدا کفایت مى‌کند. (28)